

برجام، حکومت اسلامی و بن بست بین المللی آن

کاظم نیکخواه

سریال بی پایان برجام در دور دوم خود همچنان ادامه دارد و اخبار آن این روزها مجدداً به صدر گزارشات رسانه های جهانی آمده است. گویی این زور آزمایی و موش و گربه بازی دولتهای غربی و جمهوری اسلامی تمامی ندارد. در حالیکه مذاکرات موسوم به احیای برجام از جانب جمهوری اسلامی متوقف شده، بحران روابط بین المللی جمهوری اسلامی به اوج تازه ای رسیده است. کشورهای آمریکا و حتی اروپا سخن از "پلان ب" یا طرح جایگزین برجام و مذاکرات میگویند و رافائل گروسی رئیس سازمان انرژی اتمی میگوید جمهوری اسلامی تا رسیدن به نقطه غیر قابل بازگشت در سیاستهای اتمیش فاصله چند ماهه ای بیشتر ندارد. از سوی دیگر اسرائیل با اختصاص بودجه های نظامی یک و نیم میلیارد

دلاری به طرح دفاع و حمله در مقابل جمهوری اسلامی، خود را برای حملات سنگین تر به مراکز هسته ای جمهوری اسلامی آماده میکند. چین و روسیه نیز در دفاع از جمهوری اسلامی به نحوی سیگنالهایی میدهند که نشان میدهد حاضر نیستند مناسبات اقتصادی و سیاسی بین المللی خود را فدای جمهوری اسلامی کنند.

توقف مذاکرات از سوی جمهوری اسلامی به بهانه روی کار آمدن رئیسی صورت گرفت. اما بسیاری از مفسرین معتقدند که این توقف که تاکنون همچنان ادامه دارد برای فرصت خریدن برای پیشبرد طرحهای اتمی آنست. حکومت اسلامی شروع مذاکرات را به آزاد کردن ذخیره های بلوکه شده بانکی خود که چند میلیارد دلار

میشود منوط کرده است. طرفهای اروپایی و آمریکا میگویند برای شروع مجدد برجام هیچ شرط و شروطی را نمیپذیرند و جمهوری اسلامی باید بدون قید و شرط به سر میز مذاکره بازگردد. بعلاوه در رابطه با مضمون مذاکرات هم اختلاف جدی وجود دارد. جمهوری اسلامی خواهان اینست که مذاکرات از جایی که در زمان ترامپ متوقف شد ادامه یابد. طرفهای غربی میگویند همه چیز روی میز مذاکره است و خود را وابسته به نقطه معین و موضوعات معینی نمیدانند.

سوال اینست که این مذاکرات قرار است به کجا برسد؟ چه انتظاری از برجام و مذاکرات باید داشت و ربط این مذاکرات و بحران و کشاکشها، به مردم چیست؟ برخی از جریانات راست نگران توافق

جمهوری اسلامی و غربند و آرزویشان اینست که آمریکا و غرب جمهوری اسلامی را کنار بزنند و آنها را به صدر قدرت پرتاب کنند، برخی دیگر از راستها نظیر جریان ملی اسلامی و توده ای اکثریتی ها نگران عدم توافق آنها و تحریمهای گسترده تر و شروع یک کشاکش نظامی هستند و آرزو میکنند که جمهوری اسلامی با غرب کنار بیاید و در سطح جهان پذیرفته شود و همه چیز "بخوبی و خوشی" خاتمه یابد. عده ای هم با کشار شدن مذاکرات و داغ بودن بحث برجام دکان خبرگزاریهایشان را رونق می بخشند و از قبل آن نان میخورند.

مستقل از اینکه هرکس چه آرزویی داشته باشد، همانطور که مادر دور اول مذاکرات هم بارها نشان

دادیم، این داستان همچنان ادامه خواهد یافت و پایانی در چشم انداز ندارد. مذاکرات خواهد بود. رجز خوانی از دو سو بوفور خواهیم شنید، تنشها بالا و پایین خواهد رفت و حتی به صف آراییها و رجز خوانیهای نظامی هم خواهد کشید، نهایتا توافقات روی کاغذ هم قطعا خواهند داشت. اما هیچکدام پایان ماجرا نیست.

مساله اینست که یک کلاف سر در گمی در روابط بین المللی وجود دارد که باز شدن آن به عوامل جدی تری نیاز دارد. و آن وجود حکومتی است که موجودیت و هویت خود را ضد آمریکائی گری و نابودی اسرائیل تعریف کرده است. این برای جمهوری اسلامی یک ایدئولوژی است. نمیتواند آنرا کنار بگذارد و سر پا بماند. این حکومت با این

ایدئولوژی صفوفش را شکل داده و موجودیتش را تعریف کرده است. وقتی که چنین حکومتی در میان حکومت‌های دیگر دنیا وجود دارد که جنگ و تروریسم و خصومت و حتی نابودی یک دولت دیگر را هویت خود قرار داده است، دیگر با توافق برجام و امثال اینها نمیشود بحران را تمام کرد. جمهوری اسلامی عمیقاً از نظر اقتصادی و سیاسی و دیپلماتیک نیاز دارد که با آمریکا و همه دولت‌های غربی به توافق برسد. اما همان هویت خصمانه اش باعث ایجاد تنش‌های هرروزه و حتی بحران‌زایی نظامی میشود. بعلاوه مشکل بین‌المللی جمهوری اسلامی فقط ضد آمریکائی‌گری و تلاش برای دستیابی به سلاح اتمی نیست. بلکه این حکومت تروریسم و جنگ و ناامنی را در کشورهای مختلف بویژه در عراق و لبنان و

یمن و افغانستان و برخی دیگر کشورها دامن زده است و دولتهای مختلف تلاش دارند اینها را هم تحت کنترل در آورند. اما دولتهای آمریکا و غرب هیچکدام در موقعیتی نیستند که بخواهند با زبان زور با چنین حکومتی طرف شوند. ناچارند با کشار کردن مذاکرات و شل کن سفت کنه‌های دیپلماتیک اوضاع را ادامه دهند. حقیقتا مشغله شان هم این نیست که این بحران تمام شود. این کشاکش هم به جزئی از سیستم سیاسی کنونی در کمپ سرمایه داری غرب تبدیل شده است و برای آنها خواص خود را دارد.

نتیجه ای که میگیرم اینست که سرنوشت کل این بحران را مردم تعیین میکنند. مردمی که میخواهند از شر جمهوری اسلامی خلاص شوند

و به تجربه دریافته اند که از این کلاه برجام و مذاکرات و امثال اینها چیزی عاید آنها نمیشود. مردمی که زندگی و ادامه روز بروز زندگی شان به تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی گره خورده است. این مردم یعنی کارگران و معلمان و بازنشستگان و زنان و بخشهای مختلف مردم در ایران میتوانند تکلیف اوضاع را یکسره کنند.

از نظر ما اولین و اساسی ترین گام اینست که دولتهای جهانی از جمله همین دولتهای غربی زیر فشار افکار عمومی کارگران و اتحادیه ها و تشکلهای مختلف انسان دوست، ناچار شوند حکومت اسلامی را در سطح جهان منزوی و بایکوت کنند و نمایندگان را از سازمانها و نهادهای بین المللی بیرون بیندازند. همچون

رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی این حکومت را هم باید در سطح جهان بایکوت کرد به انزوا کشاند و کاری کرد که سفارتخانه هایش بسته شوند و سران و سردمدارانش جرات نکنند پایشان را از مرزهای کشور بیرون بگذارند. رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی فکر نمیکنم یک هزارم جمهوری اسلامی توحش و جنایت در پرونده اش داشته است. بهر حال چنین تحولی اگر عملی شود یک ضربه محکم به حاکمیت و اقتدار این حکومت کثیف و ضد انسانی خواهد بود. اما این کار بخودی خود از اراده دولتهای ارتجاعی بیرون نمی آید. بلکه مردم میتوانند این را به آنها تحمیل کنند. و به درجه قابل توجهی با تلاش خود ما مورد توجه تشکلهای کارگری و غیره قرار گرفته است. در ادامه این چنین تحولی یعنی بایکوت جهانی

جمهوری اسلامی است که گسترش اعتراضات در داخل کشور میتواند حکومت را به زانو در آورد و ناچارش کند که حداقل در قدم اول گامهایی بر خلاف سیاستهای تاکنونیش حتی مهلک به حال و روزگار خودش بردارد.

بحران برجام و کشدار شدن بحران بین المللی جمهوری اسلامی تا وقتی که در وضعیت فعلی قرار دارد ممکن است برای جمهوری اسلامی خواصی داشته باشد. ممکن است برای آمریکا و غرب مساله ای نباشد. اما برای مردم این بحرانها و کل موجودیت جمهوری اسلامی هر تک روزش منشاء فلاکت و عذاب و گرانی و قربانی شدن هر روزه است. یک نمونه ساده اش اینست که حتی بلایی مثل کرونا در ایران به همین دلیل چندین

برابر کشورهای دیگر قربانی میگیرد.
از برجام چیزی عاید ما مردم نمیشود. باید دست
بکار شد و تحول اساسی ای را روی میز همه
دولتها گذاشت. این کار ما مردم است. و در عین
حال دور از دسترس نیست.

۲۱ اکتبر ۲۰۲۱

وب سایت:

www.wpiran.org

تماس با حزب:

پیامگیر تلگرام: **wpi_tamas@**

و یا با ارسال پیام به شماره

۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

از طریق سیگنال، واتساپ و تلگرام و اینستاگرام